

## آسیب‌شناسی روشی مطالعات جغرافیای سیاسی در ایران<sup>۱</sup>

رسول افزلی<sup>۲</sup> و وحید کیانی<sup>۳</sup>

### چکیده

تاریخ علم نشان می‌دهد که تولید و توسعه علم مستلزم شکل‌گیری سنت نقد در عرصه آن بوده است. از این رو، تحقیق حاضر با عنوان آسیب‌شناسی روشی مطالعات جغرافیای سیاسی در ایران در صدد بوده است تا بر اساس دو گونه از رویکردهای روشی اثبات‌گرا (پوزیتیویسم) و فرا اثبات‌گرا (انتقادی) به ارزیابی و بررسی آثار موجود در جغرافیای سیاسی ایران بپردازد. روش انجام تحقیق توصیفی - تحلیلی است و جهت دستیابی به اهداف مطرح شده سوالات پژوهشی زیر تدوین شده‌اند:

۱) ادبیات موجود در جغرافیای سیاسی از حیث رعایت چارچوب‌های علمی تا چه اندازه روشمند می‌باشد؟

۲) روش‌های جدید مطالعاتی تا چه اندازه در مطالعات جغرافیای سیاسی کاربرد داشته‌اند؟  
نتایج حاصله از تحلیل فرضیه‌های متناظر با سوالات پژوهش نشان می‌دهند که آثار موجود در جغرافیای سیاسی ایران اعم از کتاب، مقاله، پایان‌نامه و رساله‌ها از حیث رعایت چارچوب‌های علمی نسبتاً روشمند نیستند. البته در این بین آثار روشمند علمی هم مشاهده می‌شود که در نوع خود در کل رشته جغرافیا بی‌نظیر می‌باشند. همچنین، بر اساس یافته‌های تحقیق از بین ۱۰۰ مورد کتاب، ۷۷ مورد پایان‌نامه و رساله و ۶۰ مورد مقاله به ترتیب ۹۵، ۷۶ و ۶۰ اثر با رویکرد اثباتی (پوزیتیویسم) به تحلیل پدیده‌های جغرافیایی پرداخته‌اند. بنابراین، روش اثباتی (پوزیتیویسم) روش غالب مطالعاتی در جغرافیای سیاسی ایران است. از لحاظ کاربرد روش‌های نوین مطالعاتی نیز تنها پنج کتاب و یک رساله دکتری با رویکرد فرا اثباتی (انتقادی) نگاشته شده‌اند.

کلیدواژگان: آسیب‌شناسی، رئالیسم، روش انتقادی، جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران با همین عنوان می‌باشد.

۲. استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۳. کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی

## مقدمه

شاید نخستین پرسشی که پس از مشاهده عنوان مقاله به ذهن خطور کند این باشد که منظور از آسیب شناسی روشی مطالعات جغرافیای سیاسی چیست؟ در این مورد باید یادآور شد که تقسیم‌بندی روش اثباتی و فرائثباتی در تحقیق حاضر بر اساس روش شناسی تحقیق علمی صورت گرفته است و هیچ ارتباطی با روش تحقیق ندارد، بدین معنی که روش اثباتی و فرائثباتی روش تحقیق نیستند که بر مبنای آن به نگارش مطالبی اقدام کرد، بلکه روش اثباتی و فرائثباتی خود روش‌های تحقیق متنوعی را شامل می‌شوند. بنابراین، روش اثباتی و فرائثباتی روش تحقیق نیستند بلکه روش شناسی تحقیق می‌باشند.

در مبحث روش شناسی بحث بر سر این است که چگونه و به چه روشی پدیده‌ها و روابط موجود میان آنها شناخته می‌شوند از این منظر دو روش برای پژوهش و مطالعه در علم الاجتماع از هم قابل تمایزند: روش اثباتی (پوزیتیویستی) و روش فرائثباتی. اولی جامعه را پاره‌ای از طبیعت می‌بیند و در پی یافتن نظم قانون وار و تصرف در اجتماع و معیشت است و دیگری جامعه را همچون متنی مکتوب می‌خواند و فقط در پی فهم معنای آن است (لیتل، ۱۳۸۵: ۲۱).

این تحقیق در صدد است تا جغرافیای سیاسی ایران را از منظر روش شناسی تحقیق علمی و نه روش تحقیق مورد کالبد شکافی قرار دهد. از آنجایی که این علم امروزه دیدگاهها و نظریات هیجان‌انگیز و چالش‌برانگیزی را از جهان و ویژگی‌های آن عرضه می‌کند و اصطلاحات فنی بکار گرفته در آنها غالباً دشوار و پیچیده است، یک دانشجوی جغرافیای سیاسی باید درکی از مکاتب و نظریه‌های گوناگون در این رشته علمی داشته باشد تا برای مثال، بفهمد که اندیشمندان ژئوپلیتیک انتقادی چه می‌گویند و اصلاً چرا نظریه‌های خود را این گونه بیان می‌کنند. روش‌های تنظیم ساختارهای نظری در جغرافیا، از روشهایی که توسط سایر دانشمندان در زمینه‌های مختلف به وجود آمده، اقتباس شده‌اند. به علاوه جغرافیا تنها رشته‌ای نیست که به آزمون بعضی از مباحث نظری و روش تولید در سایر نظام‌ها نیازمند باشد. در هر حال، دانشمندی که با فلسفه علوم مورد نظر خود سر و کار دارند، بایستی کاربرد مشخصه‌های لغوی قدیم و جدید خود را تعیین نمایند تا خوانندگان تحقیقات آنها دچار اشکال نشوند (بهبروز، ۱۳۸۷: ۴۷).

### طرح مسئله

از آنجاکه رشته جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک به شناخت پدیده‌ها در داخل نظام‌های سیاسی و نظام بین‌المللی می‌پردازد و میدان آن فوق‌العاده وسیع است، مباحث روش شناختی از جمله ابزارهای علمی و فکری هستند که هیچ دانش پژوه جدی در این رشته نمی‌تواند خود را از آنها معاف کند. آگاهی از شیوه‌های شناخت و انواع روش‌شناسی در این رشته، دانشجو و محقق را در تفکر حول و حوش موضوعات، طبقه‌بندی پدیده‌ها، استنتاج و نظریه‌پردازی مدد بخشیده و نسبت به آنها حساس می‌کند. بنابراین، توجه به روش و شیوه‌های شناخت نه تنها منطبق و استمرار کار یک محقق را افزایش می‌دهد بلکه به مجموعه پژوهشها و مطالعاتی که اندیشمندان جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک انجام می‌دهند، انسجام درونی و قابلیت انباشتی می‌بخشد. در این پژوهش هدف این است که روش‌های اثباتی (رنالیسم) و فرآینباتی (انتقادی) را در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک مورد بررسی قرار دهیم. از نظر روش‌شناسی دو روش اثباتی (پوزیتیویسم) و فرآینباتی (انتقادی) هر کدام به ترتیب بر اساس روش اثبات‌گرایی (پوزیتیویستی) و گفتمانی (تفسیری) عمل می‌کنند. از لحاظ شناخت‌شناسی نیز دو روش اثباتی (رنالیسم) و فرآینباتی (انتقادی) به ترتیب به «واقعی بودن پدیده‌ها» و «ساختگی بودن واقعیت‌ها» اعتقاد دارند. در سطح تحلیل هستی‌شناسی نوع نگاه به پدیده‌های هستی، در روش‌های اثباتی، «عینی» و نوع نگاه روش‌های فرآینباتی گرایانه به صورت «ذهنی» می‌باشد. بر این اساس در این پژوهش به دنبال پاسخ به دو سوال اصلی هستیم: مطالعات جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک از حیث رعایت چارچوب‌های علمی مطرح شده تا چه اندازه روشمند می‌باشند؟ تحقیقات و پژوهش‌های جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک تا چه اندازه مبتنی بر روش‌های جدید مطالعاتی هستند؟

تحقیق حاضر از نوع بنیادی و روش تحقیق آن توصیفی و تحلیلی است. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده‌اند. در مورد دلیل انتخاب روش کتابخانه‌ای در این تحقیق باید گفت، بهترین راه برای رسیدن به اهداف مورد نظر این روش بوده است. مثلاً برای فهم آراء و اندیشه‌های افراد، به ویژه افرادی که به دلایلی مانند فوت و... در دسترس نیستند بهترین کار مراجعه به کارهای علمی مکتوب آنهاست، این آثار عبارتند از کتاب، مقاله و یا هر کار علمی دیگر. برای این منظور هر جا هم که لازم بوده به شاخص یا معرف مناسب نیز اشاره شده است. کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان نامه و رساله‌های انتخاب شده از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۶ را دربر می‌گیرند.

### مبانی نظری

فرض اصلی این است که روش‌های مطالعاتی علوم انسانی در قالب سه مقوله فلسفی شکل گرفته و یا از هم متمایز می‌شوند: بنیادهای هستی‌شناسی، بنیادهای شناخت‌شناسی و بنیادهای روش‌شناسی. هر سه مقوله یاد شده در روند مطالعاتی یک علم باید دارای انطباق، سازگاری و هماهنگی کامل با همدیگر بوده و در یک راستا حرکت کنند. در این جا سعی خواهیم کرد تا جایگاه این سه مقوله فلسفی و نحوه ارتباط آنها را در روش‌های اثباتی (پوزیتیویسم) و فرائثباتی (انتقادی) مشخص نماییم.

### تبیین رویکردهای روش اثباتی و فرائثباتی در جغرافیای سیاسی

مطالعات پوزیتیویستی یا رئالیستی به عنوان یک رویکرد در مطالعات و پژوهش‌های علمی از لحاظ هستی‌شناسی (شیوه‌ی نگاه به پدیده‌های هستی)، عینی؛ از لحاظ شناخت‌شناسی، تشریحی؛ و از لحاظ روش‌شناسی، اثبات‌گرایی می‌باشد. یعنی در روند یک مطالعه روشمند بر اساس چنین رویکردی، محقق باید در تمامی مراحل کار، بین این سه مقوله انطباق و هماهنگی برقرار سازد، در غیر این صورت مطالعات مورد نظر روشمند نبوده و با چارچوب‌های علمی پذیرفته شده فاصله زیادی پیدا می‌کند.

مطالعات فرائثباتی (انتقادی) به عنوان یک رویکرد نوین در مطالعات علمی، از لحاظ هستی‌شناسی، ذهنی؛ از لحاظ شناخت‌شناسی، تفسیری؛ و از لحاظ روش‌شناسی به صورت گفتمانی می‌باشد. روش جدید مطالعاتی بر اساس چنین رویکردی به مطالعه امور و پدیده‌ها می‌پردازد. در مجموع باید گفت با اتخاذ هر روشی در مطالعه پدیده‌ها، می‌بایست سه مقوله فوق را در آنها لحاظ کرده و بین آنها انطباق و سازگاری کامل برقرار ساخت.

هر یک از روش‌های اثباتی و فرائثباتی در علوم اجتماعی به طور عام و در جغرافیای انسانی (جغرافیای سیاسی) به طور خاص دارای مفاهیم خاصی هستند. روش اثباتی که با اگوست کنت به عرصه مطالعات علوم اجتماعی راه یافته است رویکرد روشی است که به واقعی و عینی بودن پدیده‌ها اعتقاد دارد و بر مبنای همین رهیافت به شناخت و تحلیل پدیده‌ها می‌پردازد. روش اثباتی (پوزیتیویسم) در مسیر خود در علوم اجتماعی به شاخه‌های مختلفی همچون استقراری، اثبات‌گرایی منطقی، ابطال‌گرایی، ساختارگرایی و... تقسیم شده است. اما جغرافیای انسانی به دلیل ماهیت علمی خود و کلی‌نگری در تحلیل مسائل، رویکرد روشی اثباتی (رئالیسم) را برگزیده است. به عبارت دیگر در جغرافیای انسانی و در راس آن جغرافیای سیاسی روش اثباتی در معنای عام آن یعنی رئالیسم مد نظر می‌باشد. به عبارت دیگر در شاخه‌های مختلف علوم

انسانی همچون جامعه شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، روابط بین الملل و... روش اثباتی به شاخه‌ها و مکاتب علمی ریزتری مانند پوزتیویسم، استقرای گرای، اثبات گرایی منطقی، فلسفه زبانی، رفتارگرایی، نظریه ساختاری لاکاتوش، انقلاب علمی کوهن، رئالیسم، لیبرالیسم، و... تقسیم شده‌اند و این در حالی است که مطالعات جغرافیای انسانی و به خصوص جغرافیای سیاسی هنوز هم به صورت کلی انجام می‌گیرد که البته این امر از ماهیت علمی این رشته نشات می‌گیرد. در این زمینه‌ها روی (۱۹۶۹: ۳-۸) «ضمن احترام گذاری به سلیقه‌های فکری متفاوت جغرافیدانان در مورد پذیرش هر یک از سنت‌های جغرافیایی؛ به همبستگی بررسی‌های طبیعی، علمی - اجتماعی و انسانیت گرایها در یک مکان جغرافیایی اعتبار می‌دهد». از جغرافیدانان معرفی که در زمینه روش‌های اثباتی کار کرده‌اند می‌توان به هالفورد مکیندر، آلفرد ماهان، راتزل، پیتر تیلور، جانستون و دیویدهاروی اشاره کرد. بر فرض مثال، راتزل در کتاب جغرافیای سیاسی خود نقش آفرینی واحد جغرافیایی - سیاسی به عنوان «ارگانیزم نمو کننده» که در تکاپوی اهداف اخلاقی و روحانی است، پرداخته و تئوری اورگانیزمیک بودن حکومت را ارائه داده است. این تئوری برای دوره‌ای نسبتاً طولانی، اندیشه مطالعه کنندگان جغرافیایی پدیده‌های سیاسی و مطالعات عمومی ژئوپلیتیک را به این محدود کرد که محیط چگونه بر نقش آفرینی سیاسی انسان چیره می‌شود و در اندیشه سیاسی انسان اثر می‌گذارد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۶). یا آلفرد تایلر ماهان آمریکایی که به نیروی دریایی، به عنوان مهمترین عامل قدرت و بالاترین ابزار ایجاد هژمونی در جهان، توجهی ویژه پیدا کرد. به طوری که در کتاب نفوذ قدرت دریایی بر تاریخ از ۱۶۶۰ تا ۱۷۸۳، این باور را گسترش داد که هر قدرتی که بر دریاها چیرگی یابد، بر جهان سیاسی، هژمونی خواهد یافت (همان، ۱۳۸۱: ۱۳۸). همچنین کتاب محور جغرافیایی تاریخ اثر سر هالفورد جان مکیندر انگلیسی که تئوری هارتلند را مطرح کرده بود در همین راستا و روش قرار دارد. در مجموع نظرات و دیدگاه‌های نویسندگان فوق بر اساس روش اثباتی نگاشته شده‌اند، چرا که همگی آنها به عینی بودن پدیده‌ها، قطعیت پدیده‌های جغرافیایی و پیش بینی و تعمیم دهی نظرات خود در همه زمان‌ها و مکان‌ها اعتقاد دارند و اهمیت کمتری برای انسان، فرهنگ و هنجارهای اجتماعی قائلند.

در رویکرد روشی فرااثباتی (انتقادی) در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک پست مدرن دارای دو بعد مطالعاتی است. ۱- بعد زمانی و موضوعی: از این منظر جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک پست مدرن دوره زمانی اخیر را در بر می‌گیرد و موضوعاتی همچون محیط زیست، حقوق بشر، فمینیسم، اقتصاد سیاسی بین الملل و... در حیطه موضوعات جغرافیای سیاسی پست مدرن قرار

می‌گیرند. از اندیشمندان پیرو این دیدگاه در خارج از ایران می‌توان به اتوتایل اشاره کرد که در مقاله‌ای در ۱۹۹۰ به آنها پرداخته است و در داخل ایران می‌توان به مجتهدزاده اشاره کرد که در کتاب جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی بحث‌هایی در این باره داشته است. ۲- بعد فلسفی و روش شناختی: این نوع مطالعات به تازگی در جغرافیای سیاسی مطرح شده‌اند که بعد فلسفی پست مدرنیسم را مدنظر قرار می‌دهند. از جمله اندیشمندان معروفی که در این زمینه کار کرده‌اند می‌توان به دالبی، روتلیج، کلاس دادس، اوتوا و... اشاره کرد. برای نمونه اتوتایل در تعریف ژئوپلیتیک انتقادی آن را این گونه تعریف کرده است: ژئوپلیتیک انتقادی، رویکردی است که وجود توپوگرافی فضایی میان جهان اول و جهان سوم، شمال و جنوب و کشور را رد می‌کنند و تاکید آن بر ناپایدار بودن این‌گونه هویت‌های پرسپکتیوی و توجه فزاینده به هویت‌های ژئوپلیتیکی است. (اتوتایل، ۱۹۹۴: ۲۳۱). در جایی دیگر، اتوتایل (۱۹۹۴) توضیح مفصلتری ارائه می‌دهد. ژئوپلیتیک در حکم یک رویکرد تا یک نظام نظری ریشه در جنبش پسا ساختاری دارد که در فرانسه و در دهه ۱۹۶۰ آغاز گردید. برخی از افراد این حرکت عبارت بودند از ژاک دریدا و میشل فوکو که هنگام بکارگیری «ساخت شکنی» برای برهم ریختن ادعاهای صدق، راههای مختلفی را در پیش گرفتند. در مجموع نظرات و دیدگاههای اندیشمندان و پژوهشگرانی که از روش فوق بهره می‌برند در خدمت مردم بوده و بر علیه ساخت و تمرکز قدرت به پا می‌خیزند. ایولاکوست ژئوپلیتیسین فرانسوی در این مورد چنین می‌گوید: ژئوپلیتیک رایج، به دلیل سوء استفاده از شواهد جغرافیایی به نفع مقاصد امپریالیستی و اشغالگرانه لکه دار شده است. این‌گونه ژئوپلیتیک، امکان داشت که از اندیشه‌ای کم تحرک و منحرف نشات گرفته و در صورت اتخاذ آن در رسانه‌های گروهی، گرفتار اغراقی فریب کارانه و وطن پرستانه شود. با این همه، وی معتقد بود که می‌شود ژئوپلیتیکی را که از لحاظ علمی، مستقل و بی طرفانه است را نیز بوجود آورد؛ ژئوپلیتیکی جایگزین که قادر باشد با دیدگاهی متعالی به امور جهانی نگریسته و به تحقیقی بپردازد که آلوده پیوند با کشور یا امپراطوری نباشد. (مویر، ۱۳۷۹: ۳۸۹).

#### ارزیابی و بررسی یافته‌های تحقیق

در این بخش مقاله‌ها، پایان نامه‌ها و رساله‌ها و کتابهای موجود در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک در ایران به صورت موردی بررسی خواهند شد. در این تحقیق سعی گردیده تا با استفاده از ۶۰ مقاله علمی - پژوهشی، ۷۷ پایان نامه و رساله کارشناسی ارشد و دکتری به همراه ۱۰۰ کتاب به سوالات مطرح شده در تحقیق پاسخ داده شود. برای تبیین بهتر موضوع یک نمونه از مقاله که از ساختار روشی قابل قبول و یک نمونه از مقاله ای که از روش شناسی ضعیفتری برخوردار است

در این جا ذکر شوند. ضمناً بقیه موارد نیز بر اساس همین شیوه ارزیابی گردیده‌اند که آوردن همه آنها در این مقاله امکان پذیر نبوده است و به نظر می‌رسد ذکر همین نمونه‌ها برای توجیه روش کار نگارندگان کافی باشد.

در مجموع تعداد ۶۰ مقاله در زمینه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک که توسط اساتید و دانشجویان این رشته در نشریات علمی - پژوهشی نگاشته شده‌اند را مورد بازبینی و ارزیابی قرار داده‌ایم، در این میان ۱۳ مورد از نشریه علمی - پژوهشی تحقیقات جغرافیایی، ۲ مورد از نشریه مدرس علوم انسانی، ۵ مورد از نشریه جغرافیا و توسعه، ۱۹ مورد از نشریه پژوهش‌های جغرافیایی و ۲۱ مورد از نشریه فصلنامه ژئوپلیتیک انتخاب شده‌اند. بر اساس داده‌ها، تعداد ۲۲ مورد از مقاله‌ها در زمینه مصادیق مطالعاتی جغرافیای سیاسی، ۹ مورد از مقاله‌ها در زمینه مبانی نظری و تئوریک و تعداد ۲۹ مورد در زمینه ژئوپلیتیک می‌باشند (جدول ۱). همانطور که ملاحظه می‌شود موضوعات مرتبط با ژئوپلیتیک تعداد زیادی از مقاله‌ها را به خود اختصاص داده است و از این نظر جغرافیای سیاسی در مرتبه دوم قرار دارد و موضوعات بنیادی و تئوریک در مرتبه بعدی قرار دارند. با توجه به این که مقاله‌ها بیشتر توسط اساتید و اندیشمندان این رشته نگاشته می‌شود، انتظار نگارش مقاله‌های بنیادی و تئوریک بیش از این اندازه می‌باشد.

جدول ۱: تعداد مقاله‌ها بر حسب طبقه بندی موضوعی

ژئوپلیتیک	جغرافیای سیاسی	مبانی
۲۹	۲۲	۹

ماخذ: یافته‌های تحقیقی نگارندگان

نگرش اثباتی با اعتقاد به وحدت روش شناختی علوم طبیعی و اجتماعی در پی تبیین عینی پدیده‌های اجتماعی و سیاسی به وسیله کشف همبستگیهای آماری و قوانین علی از طریق مشاهده و تجربه است. از این دیدگاه، پدیده‌های اجتماعی را باید به وسیله زبان خاصی (زبان علمی) تبیین نمود که بر خلاف زبان روزمره، عاری از ابهام و مسائل ارزشی باشد و تعریف عملی مفاهیم و اندازه گیری کمی یکدست را میسر سازد.

تمام مقاله‌های چاپ شده در زمینه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک در ایران با رویکردی اثباتی به تحلیل مسائل سیاسی و جغرافیایی پرداخته‌اند. برای آشنایی بیشتر با این رویکرد روشی، مهم ترین ویژگی‌های آن را که بیشتر در این بخش از حوزه مطالعات جغرافیای سیاسی (مقاله‌ها) مورد

استفاده قرار گرفته‌اند مطرح می‌کنیم. از مهم‌ترین ویژگی‌های روش اثباتی که در اکثر مقاله‌ها مورد توجه نویسندگان مقاله‌ها قرار داشت، عبارتند از:

- ۱) هدف علم، شناخت واقعیتی است که بر اساس روابط ساختاری یا علی ثابت و معینی استوار است، روابطی که مستقل از ذهن انسان و دارای سازگاری درونی باشند.
  - ۲) علم در پی صورت‌بندی دانشی فنی است که توان پیش‌بینی، کارایی و قدرت اعمال کنترل در جهت اهدافی معین را افزایش دهد
  - ۳) علم دانشی است که از نظر ارزشی، بی‌طرف و خنثی است.
  - ۴) ملاک صدق مفاهیم و گزاره‌ها، انطباق آنها با واقعیت خارجی است.
  - ۵) پدیده‌های اجتماعی را هم مثل پدیده‌های طبیعی می‌توان مورد مطالعه قرار داد.
- بدین ترتیب، و با توجه به مقدماتی که در بالا ذکر آنها رفته است، رویکرد روشی تمام مقاله‌های چاپ شده در مجله‌های علمی - پژوهشی در زمینه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، رویکردی اثبات‌گرایانه (رنالیسم) می‌باشد. چرا که ساختار و چارچوب کلی تمام مقاله‌ها از شاخص‌های گفته شده در بالا تبعیت کرده‌اند. یعنی همه مقاله‌ها پنج ویژگی که در بالا ذکر آنها رفته است را در خود داشته‌اند و با چنین دیدگاهی به طرح مسائل خود پرداخته‌اند. البته همانطور که قبلاً متذکر شده ایم هدف ما تخطئه و زیر سوال بردن روش اثباتی نیست بلکه هدف اصلی ما این است که مقاله‌هایی که با روش اثباتی نگاشته شده‌اند تا چه حد معیارها و شاخص‌های علمی این رویکرد روش‌شناختی را رعایت کرده‌اند. یعنی نوع نگاه نویسندگان مقاله به مسائل و پدیده‌های جغرافیای سیاسی بر اساس هستی‌شناسی عینی، شناخت‌شناسی تبیینی - توصیفی و روش‌شناسی پوزیتیویستی بوده است یا خیر؟ اکنون دو مقاله را به عنوان نمونه تشریح خواهیم کرد.
- مقاله اول با عنوان «چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا (با تاکید بر ایران، پاکستان و افغانستان)» (۱۳۸۴)، می‌باشد. تحقیق حاضر فاقد مبانی نظری مدون و منسجمی که مطالب مقاله بر مبنای آن بنا شده باشد، بوده است. همچنین، دامنه و محدوده تحقیق دقیقاً مشخص نیست. نگارنده هم به اثرات مواد مخدر در بعد فردی، ملی و جهانی اشاره کرده است و هم در بعد جغرافیایی نیز از سطح محلی تا کشوری، منطقه‌ای و جهانی را مورد بررسی قرار داده است، در حالی که، موضوع تحقیق مطالعه موردی جنوب غرب آسیا بوده است. همچنین مشخص نیست که چالش‌های ژئوپلیتیکی مکان تولید مواد مخدر مد نظر نگارنده بوده است یا توزیع و مصرف آن، چرا که نگارنده همه مکان‌ها و همه کشورها را در تحلیل‌های خود وارد کرده است بدون آنکه تفکیکی از این لحاظ بین آنها قائل شود، چون هر کشوری بر حسب تولید، توزیع و مصرف، اثرات و چالش‌های خاصی از مواد مخدر دریافت می‌کند و این در تحلیل نهایی و ارائه



راهبردها بسیار مهم است. در ادامه همین مبحث نگارنده با ارائه دو تعریف از ژئوپلیتیک به این نتیجه می‌رسد که پدیده مواد مخدر و چالش‌های ژئوپلیتیکی آن را هم می‌توان با توجه به تعریف بالا توجیه کرد. یعنی، ژئوپلیتیک موضوعی کاربردی بوده که سیاستمداران برای رسیدن به مقاصد سیاسی و پیروزی در صحنه با رقابت قدرت‌های رقیب و احیاناً سلطه بر دیگران، آن را به کار می‌گیرند. نگارنده، مواد مخدر را به جای نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست قرار داده است و بحث خود را از اینجا آغاز کرده است. بنابراین، اگر نگارنده معتقد به چنین دیدگاهی می‌باشد، چطور آن را یک چالش ژئوپلیتیکی برای کشورها می‌داند و ثانیاً، شاید پدیده مواد مخدر برای کشور ایران یک چالش ژئوپلیتیکی باشد ولی آیا برای افغانستان یا پاکستان هم همینطور می‌باشد. بنابراین، تناقضی آشکار بین تعریف ژئوپلیتیک و موضوع تحقیق مقاله وجود دارد. همچنین نگارنده در پاراگراف آخر در مورد آمارهای مربوط به میزان تولید و مصرف مواد مخدر، خواننده را دچار سردرگمی فراوان کرده است، برای نمونه، در مورد صحت آمارها، به ترتیب یکبار می‌نویسد «کار ساده‌ای نیست اما امکان پذیر است - این گونه برآوردها نمی‌تواند معتبر باشد اما می‌تواند مبنایی منطقی داشته باشد - امروزه به صورت نظامند ثبت و ضبط می‌شود - سه چهارم دهه اخیر قانده مند شده است». همچنین برخی از آمارها فاقد منبع بوده‌اند، برای نمونه، صفحه ۹۹ پاراگراف آخر از نکات قابل توجه مقاله، تناقض شدید بین دیدگاه نویسنده در بخش‌های ابتدایی مقاله با بخش تجزیه و تحلیل مقاله بوده است، به طوری که، نگارنده خود در صفحه ۱۰۸ چنین می‌نویسد «ارتباط مواد مخدر با سیاست در افغانستان به گونه‌ای است که حیات اقتصادی و تداوم حاکمیت قومیت‌ها به آن وابسته است» و همچنین، تامین منابع مالی نیروهای جهادی از محل تولید مواد مخدر، ظهور و حیات حاکمیت طالبان با منابع تولید و قاچاق مواد مخدر، دست داشتن مسئولان دولتی افغانستان در تولید و قاچاق مواد مخدر، تامین شدن بخشی از درآمد پاکستان از راه تولید و قاچاق مواد مخدر، مدیریت غیر مستقیم جریان کشت توسط غربیها و... را از مهم ترین دلایل روی آوری افغانستان و پاکستان به مواد مخدر دانسته است. به نظر می‌رسد، طبق روال مطالب و کمی دقیق شدن در دیدگاه نویسنده باید اذعان کرد، مطالب گفته شده فقط برای کشور ایران چالش‌های ژئوپلیتیکی محسوب می‌شوند و برای دو کشور پاکستان و افغانستان یک مزیت و برتری ژئوپلیتیکی به حساب می‌آیند. همچنین، به نظر می‌رسد آنچه نگارنده را به سمت این نوع تحلیل کشانده است، عدم توجه نگارنده به نوع حکومت، ایدئولوژی و ساختار نظام سیاسی هر یک از این کشورها بوده است. نگارنده با توجه به حکومت ایران و مفاد قانون اساسی آن در مورد مواد مخدر به تحلیلی مشابه در دیگر کشورها پرداخته است. در صفحه ۱۱۴

پاراگراف دوم نگارنده دوباره به ذکر آمارهای بدون منبع اقدام کرده است. در بخش چشم‌انداز آینده مواد مخدر به پیش بینی آن در سطح تمام کشورهای دنیا پرداخته است در حالی که، موضوع تحقیق فقط حوزه جنوب غرب آسیا بوده است.

مقاله بعدی با عنوان «تحول روابط ایران و عربستان و تاثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس» (۱۳۸۳)، می‌باشد. نگارنده در بخش چکیده سعی در بازشناسی روابط ایران و عربستان در چهار دوره قبل از انقلاب اسلامی، بعد از انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی، از پایان جنگ تحمیلی تا ۱۱ سپتامبر و از ۱۱ سپتامبر تاکنون را داشته و همچنین، تاثیر آن بر چشم‌انداز ژئوپلیتیک خلیج فارس با توجه به همکاری و همگرایی دو کشور در پرتو تحولات جدید منطقه را از ضرورت‌های تحقیق حاضر معرفی کرده است. به همین دلیل، در بخش مقدمه، همگرایی منطقه‌ای، گروه‌بندی منطقه‌ای و سازه‌های منطقه‌ای را تعریف و تبیین کرده و منطقه مورد مطالعه تحقیق را، واجد چنین ویژگی‌هایی می‌داند. در ادامه بحث به بررسی روابط دو کشور در چهار دوره فوق پرداخته است. نگارنده معتقد است، در دوره اول عربستان و ایران دچار همگرایی ساختاری بوده و نیروی پیوند دهنده بر نیروی جداکننده غلبه داشته است. در دوره دوم روابط ایران و عربستان با توسعه تضادها، به شدت تیره شد و تا حد قطع روابط توسعه یافت. در دور سوم آغاز همگرایی و کاهش سردی در روابط دو کشور و فرایند آشتی‌گرایی شکل گرفت و روابط دو کشور رو به گرمی نهاد و در دوره چهارم گرمی روابط ایران و عربستان از شتاب بیشتری برخوردار شد. در پایان به تاثیرات همگرایی دو کشور بر ژئوپلیتیک خلیج فارس پرداخته و به ۸ مورد از آنها اشاره کرده است. نویسنده مقاله، اثری را تدوین نموده که مطالب آن از انسجام و پیوستگی برخوردار بوده و نثر روان و شیوایی قلم موجب ایجاد تمایل در خواننده در پیگیری مطالب می‌گردد. همانطور که ملاحظه شده است مقاله مذکور به دلیل مبانی نظری دقیق و مشخص، تعیین حدود و دامنه متغیرها و شاخص‌های تحقیق، طبقه بندی و زمان بندی دوره‌های زمانی و... از روشمندی قابل قبولی برخوردار است.

همینطور تعداد ۷۷ پایان نامه و رساله در زمینه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک که توسط دانشجویان این رشته در دانشگاه‌های تهران و تربیت مدرس نگاشته شده‌اند را مورد بازبینی و ارزیابی قرار داده‌ایم، که بیش از ۹۰٪ پایان نامه و رساله‌های دفاع شده را در بر می‌گیرد. در این بخش پایان نامه و رساله‌های موجود بر حسب مبانی نظری، جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک در سه موضوع متفاوت تقسیم شده‌اند. بر اساس داده‌ها تعداد ۲۸ پایان نامه و رساله در موضوع جغرافیای سیاسی، ۶ پایان نامه و رساله در زمینه موضوعات بنیادی و نظری و تعداد ۴۳ پایان نامه و رساله در زمینه موضوعات ژئوپلیتیکی نگاشته شده‌اند. همانطور که از اطلاعات بدست آمده

در این بخش مشاهده می‌شود بیشتر موضوعات انتخاب شده در حوزه ژئوپلیتیک می‌باشند و موضوعاتی که در حوزه جغرافیای سیاسی می‌باشند در رتبه بعدی قرار دارند. نکته قابل توجه در این زمینه موضوعات بنیادی و نظری در حوزه پایان نامه و رساله‌ها می‌باشد که فقط ۶ مورد را در بر گرفته است و حتی در سطح مقطع دکتری نیز تمایل به انتخاب موضوعات بنیادی کمتر دیده می‌شود.

از پایان‌نامه و رساله‌هایی که موضوعات آنها در حوزه جغرافیای سیاسی انتخاب شده‌اند، بیشتر موضوعات در زمینه مرز، مسئله امنیت و توسعه استان‌ها، قوم‌گرایی، تنش‌های اجتماعی و ناحیه‌گرایی می‌باشند. از پایان‌نامه و رساله‌هایی که موضوعات آنها در حوزه ژئوپلیتیک انتخاب شده‌اند، بیشتر موضوعات در زمینه ژئوپلیتیک جهان، خلیج فارس، دریای خزر، ایران و همسایگان آن، قفقاز و بحث انتقال انرژی می‌باشند. در حوزه موضوعات بنیادی نیز بیشتر در زمینه نظریه‌های جغرافیای سیاسی مثل حکومت، دولت، نقشه و حدود و قلمرو جغرافیای سیاسی می‌باشد که البته بیشتر در قالب جغرافیای سیاسی کلاسیک جای می‌گیرند.

روش اثباتی در جغرافیای انسانی، شیوه‌ای رایج و شناخته شده است. در چارچوب این شیوه، رویدادها توصیف، تبیین و پیش‌بینی می‌شوند. می‌توان قوانین و قضایای تجربی را مشاهده و با استناد به داده‌های تجربی ابطال کرد. شیوه تحلیل تجربی در جغرافیای سیاسی نیز، مانند سایر رشته‌های جغرافیای انسانی، از ابزار مشاهده، طبقه‌بندی، اندازه‌گیری و مقایسه استفاده می‌کند، تا درستی و نادرستی تعمیم‌ها و فرضیه‌ها را تعیین کند و درجه انطباق یا عدم انطباق با داده‌های موجود را نشان دهد (جدول ۲). پس از سال‌ها حاکمیت روش اثباتی در جغرافیای سیاسی در ایران هنوز هم روش تجربه‌گرایی و اثباتی، روش حاکم در مطالعات این رشته علمی محسوب می‌شود.

## جدول ۲: ویژگی‌های روش‌شناختی رویکردهای اثباتی و فرااثباتی در جغرافیای سیاسی

فرااثباتی	اثباتی
مفروضه اساسی : شناخت شناسی تابع چارچوب اجتماعی است.	مفروضه اساسی : شناخت شناسی از عوامل زمانی و مکانی و ذهنی و بیرونی ذهنی تأثیر نمی‌پذیرد
در پی یافتن هیچ امر ثابتی نیست.	فرضیه‌سازی: در واقعیت‌های تجربی تغییر ناپذیر کنکاش می‌کند.
ساختن واقعیت: از طریق پراکسیس و نه نظریه پردازش صورت می‌گیرد.	نظریه‌سازی: وحدت روش شناختی علوم طبیعی و علوم اجتماعی و ارائه نظریه عمومی
تز - آنتی تز - تناقض و سنتز	ایدئولوژی یا واقعیت تغییر ناپذیر است یا قوانین تغییر ناپذیری بر آن مسلط‌اند.
فرایندهای ناپیوسته و مداوم : انتقال از کمیت به کیفیت	فرایندهای مداوم و پیوسته : تغییرات کمی‌اند
وضعیت نهایی وجود ندارد	وضعیت نهایی امور وجود دارد.
وابستگی متقابل و کلی‌نگری	امور را باید منفرد دید.

منبع : (گالتونگ، ۱۹۷۷ : ۲۱۱)

با توجه به اصول و معیارهای گفته شده در بالا و مطالعات و بررسی‌های انجام شده بر روی پایان‌نامه و رساله‌های دوره کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌های تهران و تربیت مدرس از ۷۷ مورد پایان‌نامه و رساله، ۷۶ مورد دارای رویکرد اثباتی بوده‌اند. به عبارت دیگر پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، در پی تجربه و کشف دانش بوده‌اند، یعنی با ارائه بیان مسئله و سوالات و فرضیات تحقیق خود را آغاز کرده و در پی کشف حقیقت از طریق تجربه و مشاهده بوده‌اند. در راستای اصول و معیار دوم باید گفت که پایان‌نامه و رساله‌ها بیشتر در پی کامل کردن نظریات و دیدگاه‌های مطرح شده در پایان‌نامه و رساله‌های قبلی بوده‌اند. اکثر پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها با ارائه الگوی نظری در صدد بوده‌اند تا قوانین و قضایای مطرح شده در تحقیق را به یک قانون عام و فراگیر نسبت دهند. به طور کلی باید اذعان کرد، اکثر پایان‌نامه و رساله‌ها در حیطه روش اثباتی و اصول و معیارهای آن قرار دارند، هر چند در کاربرد این اصول و معیارها در روند تحقیق نیز نقدهای اساسی وارد می‌باشد.

بر اساس اصول و معیارهای مطرح شده در مورد روش‌های فرااثباتی باید گفت که تنها یک مورد از رساله‌های دوره دکتری دانشگاه تهران با عنوان «کالبد شکافی نقشه و نقش آن در اعمال قدرت و القاء سیاست» به مطالعات جغرافیای سیاسی بر مبنای رویکرد فرا اثباتی پرداخته است. این رساله در پنج فصل : ۱- کلیات و طرح پژوهش ۲- کالبد شکافی نقشه و نشانه شناسی ۳-

چارچوب نظری ۴- نقشه به مثابه ابزار اعمال قدرت و القاء سیاست ۵- نتیجه گیری تدوین شده است. نگارنده در فصل اول در بخش بیان مسئله به طرح سوالی با عنوان «نقشه به عنوان ابزاری در جهت محیط شناسی و بازنمایی کننده تسلط انسان بر محیط پیرامون خود، به عنوان ابزاری در اختیار قدرت سیاسی و حاکمیت‌ها بوده و نقش مهمی در القاء سیاست و اعمال قدرت ایفا نموده است. اما چرا چنین است؟ به چه دلیل یا دلایلی نقشه دارای کارکردی سیاسی است و با قدرت سیاسی پیوند دارد؟ به طرح سوالات پژوهشی خود می‌پردازد و با سوال اصلی: به چه علت نقشه به عنوان ابزاری در خدمت اعمال قدرت و القاء سیاست قرار می‌گیرد؟ و ۵ سوال فرعی دیگر در صدد تفسیر متغیرهای تحقیق خود می‌پردازد. فرضیه اصلی مطرح شده در رساله: خصلت نشانه‌ای بودن نقشه، مهمترین علت در استفاده ابزاری از آن در خدمت اعمال قدرت و القاء سیاست است، می‌باشد. آنچه که در مورد این اثر می‌توان گفت این است که از جدیدترین و تنها اثر در حوزه مطالعات جغرافیای سیاسی می‌باشد که با رویکردی فرا اثبات‌گرایانه و انتقادی به تحلیل مسائل جغرافیای سیاسی می‌پردازد.

تفاوت عمده میان جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک سنتی و بیشتر نگرش‌های انتقادی در این است که نگرش‌های انتقادی میدان عمل جغرافیای سیاسی خود را جهت بازبینی مفاهیم و روش شناسی افزایش داده‌اند (جدول ۳). ترکیب بخش‌های مختلف نظریه‌های اجتماعی و نظریه‌های ژئوپلیتیکی در گفتمان جغرافیایی، فعالیتها و ایده‌های سیاسی جهت سنجش، توصیف و ارزیابی جهان را مشکل ساخته است. احیاء ژئوپلیتیک انتقادی ریشه در ناتوانی جغرافیای سیاسی کلاسیک جهت سیاست زدایی از جغرافیای انسانی طی دهه ۵۰ و ۶۰ قرن بیستم داشت. تفکرات انتقادی سوالاتی را درباره چگونگی خروج از وضعیت موجود و چگونگی حمایت قدرت از ساختارهای ویژه مطرح می‌سازد (دادس، ۱۳۸۴: ۷۰).

## جدول ۳: تفاوت‌های مهم ژئوپلیتیک سنتی و ژئوپلیتیک انتقادی

ژئوپلیتیک انتقادی	ژئوپلیتیک کلاسیک
جهانی شدن	حاکمیت ملی
مرزهای سمبلیک	قلمروهای ثابت
شبکه‌ها/ پیوستگی‌ها	سیاستمداری
خطرات فرا سرزمینی	دشمنان قلمروها
محیط‌های حقیقی	اتحادیه‌های ژئوپلیتیکی
سیستم اطلاعات جغرافیای (GIS)	محیط‌های زمینی، فیزیکی
	نقشه‌ها و کارتوگرافی

منبع: اقتباس از اوتاتل (۱۹۹۸، ۲۸).

در مجموع، می‌توان گفت جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک در ایران، با توجه به رشد کمی کتاب‌ها در چند دهه اخیر، مراحل اولیه تکامل علمی خود را طی می‌کند، چرا که با گذشت ۵ دهه از عمر آن در ایران هنوز موضوعات و روشهای سنتی و کلاسیک جغرافیای سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### ارزیابی فرضیه‌ها و نتیجه گیری

نتایج و یافته‌های به دست آمده از این قرارداد:

در حوزه کتابها، ادبیات موجود در جغرافیای سیاسی از لحاظ رعایت چارچوب‌های علمی نسبتاً روشمند بوده‌اند. از ۱۰۰ مورد کتاب انتخاب شده، اکثراً با رویکرد روشی اثبات‌گرایانه (رنالیستی) نگارش یافته‌اند و تطبیق آنها با شاخص‌ها و معیارهای روش اثباتی، نشان داد که دیدگاه ناحیه‌ای، روش توصیفی بر عرصه مطالعاتی این بخش از ادبیات جغرافیای سیاسی سایه افکنده است. به‌طور کلی، چون کتاب‌ها بیشتر توسط اساتید و اندیشمندان این رشته نگارش یافته‌اند از روشمندی قابل قبولی برخوردار هستند. در حوزه پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها نیز ادبیات از لحاظ رعایت چارچوب‌های علمی دچار ضعف‌های اساسی است. فقدان مبانی نظری منسجم و هماهنگ، پایبندی به اصول و معیارهای مکاتب خاص علمی و عدم تعیین حدود و دامنه متغیرهای تحقیق از جمله مواردی بوده‌اند که در اکثر پایان‌نامه و رساله‌ها رعایت نشده‌اند. در حقیقت، از ۷۷ مورد پایان‌نامه و رساله که مورد ارزیابی روشی قرار گرفتند درصد معدودی از آنها دارای خط سیر

روشی مشخص بودند. در حوزه مقاله‌ها نیز چارچوب‌های علمی غالباً به صورت روشمند رعایت نشده است. در این حوزه تعداد ۶۰ مقاله به صورت دقیق و موشکافانه مورد بررسی قرار گرفتند. بر اساس یافته‌های تحقیق در بین کتاب‌های موجود حدود ۹۵ کتاب از ۱۰۰ کتاب ذکر شده در حوزه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک کلاسیک قرار دارند و فقط ۵ کتاب در این میان در حوزه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک انتقادی یا فرا اثباتی قرار دارند که نویسندگان این کتاب‌ها کلاً خارجی می‌باشند و هیچ کتابی در این حوزه توسط محققین داخلی نگاشته نشده است. همینطور در بخش پایان‌نامه و رساله‌ها با توجه به اصول و معیارهای گفته شده و مطالعات و بررسی‌های انجام شده بر روی پایان‌نامه و رساله‌های دوره کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌های تهران و تربیت مدرس از ۷۷ مورد پایان‌نامه و رساله، ۷۶ مورد دارای رویکرد اثباتی (رتالیستی) بوده‌اند. در بخش مقاله‌ها نیز از مجموع ۶۰ مقاله در زمینه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک که توسط اساتید و دانشجویان این رشته در نشریات علمی - پژوهشی نگاشته شده‌اند را مورد بازبینی و ارزیابی قرار داده‌ایم، همه مقاله‌ها دارای رویکرد اثباتی (رتالیستی) بوده‌اند. از بین ۱۰۰ کتاب، ۷۷ پایان‌نامه و رساله و ۶۰ مورد مقاله به ترتیب ۹۵، ۷۶ و ۶۰ اثر با رویکرد روشی اثبات‌گرایانه (رتالیستی) نگاشته شده‌اند. بنابراین، روش غالب مطالعاتی در جغرافیای سیاسی ایران روش پوزیتیویستی (رتالیستی) می‌باشد.

همینطور بر اساس یافته‌های تحقیق از بین ۱۰۰ کتاب تنها پنج اثر در حوزه روش‌های جدید مطالعاتی قرار داشتند و از بین پایان‌نامه و رساله‌ها نیز تنها یک رساله دکتری با چنین رویکردی نگاشته شده است. در حوزه مقاله‌ها نیز اثری که با رویکرد انتقادی یا فرااثبات‌گرا نگاشته شده باشد مشاهده نشده است. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که روش‌های جدید مطالعاتی در جغرافیای سیاسی ایران هنوز کاربرد چندانی نیافته است.

نکته حائز اهمیت در این تحقیق این بوده است که در طول تحقیق با دو دسته از آثار و مطالعات علمی مواجه شده‌ایم، یک دسته مطالعاتی که توسط اساتید این رشته نگاشته شده بودند که از لحاظ رعایت چارچوب‌های علمی و روش شناختی از وضعیت مطلوب و بهتری برخوردار بودند و دسته دیگر، آثار دانشجویان این رشته که غالباً با معیارهای روش علمی فاصله زیادی داشته‌اند. از این‌رو، می‌توان این گونه گفت که ادبیات موجود در جغرافیای سیاسی از لحاظ رعایت چارچوب‌های علمی، نسبتاً روشمند نیستند.

در مجموع یکی از دلایل مهمی که در آسیب شناسی روشی مطالعات جغرافیای سیاسی در ایران باید مدنظر قرار گیرد به نوبت بودن این شاخه از علوم جغرافیایی در ایران مربوط می‌شود: تا قبل از

دهه چهل شمسی، جغرافیای سیاسی در جمع مباحث جغرافیای انسانی از سوی استادانی چون، دکتر مسعود کیهان، دکتر محمد حسن گنجی و تا حدودی دکتر کاظم ودیعی پی گیری می شد. اما آموزش جغرافیای سیاسی به طور مستقل و مدون در سال ۱۳۴۲ توسط خانم دکتر میرحیدر در دانشگاه تهران پایه گذاری شد. در واقع با انتشار اولین کتاب در زمینه «اصول و مبانی جغرافیای سیاسی» در سال ۱۳۴۷، دانشجویان با ماهیت و قلمرو جغرافیای سیاسی نظام یافته، ویژگی های جغرافیایی دولت، عوامل جغرافیایی قدرت و اهمیت استراتژیک مکان ها آشنا شدند و به این ترتیب گامی در جهت پیشرفت جغرافیای علمی برداشته شد (میرحیدر؛ ۱۳۷۶ مینایی، ۱۳۸۱؛ رجبلو، ۱۳۸۴). و از طرف دیگر، درست در همین مقطع جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک در مغرب زمین مورد بی مهری محافل علمی قرار گرفته بود. چرا که این علم در خدمت مقاصد استعماری قرار داشت و به خصوص در آلمان مورد سوء استفاده حکومت قرار گرفته بود. این روند تا دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ادامه پیدا کرده بود. درست در زمانی که در مغرب زمین جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دوران خلل و رکود را سپری می کرد جغرافیای سیاسی در ایران شروع به شکل گرفتن کرده بود. به همین دلیل مبانی و پایه های جغرافیای سیاسی در ایران نه بر روی پی سنگ به روز و نه به هنگامی انجام گرفته بود و طبیعی بود که به چنین آسیب هایی دچار گردد. و اما در مورد اینکه چرا غالب روش های مطالعاتی جغرافیای سیاسی در ایران بر مبنای رویکرد پوزیتیویستی صورت پذیرفته است باید به **جنگ تحمیلی عراق علیه ایران** اشاره کرد: درست بعد از جنگ تحمیلی رشته جغرافیای سیاسی در ابتدا به عنوان گرایش و بعداً به عنوان یک رشته مستقل مطرح شده بود سرانجام جغرافیای سیاسی از تاریخ ۱۳۷۱/۶/۸ در سطح کارشناسی ارشد به صورت یک رشته به تصویب وزارت فرهنگ و آموزش عالی رسید و این زمان را می توان نقطه عطفی در شروع رشد کمی جغرافیای سیاسی در ایران دانست. چرا که پس از تصویب رشته در سال بعد از آن یعنی از سال ۱۳۷۲، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی شروع به پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی کرد و در همان سال هشت دانشجو در این رشته پذیرفت. دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۳، تربیت مدرس در سال ۱۳۷۷ و دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات در سال ۱۳۷۹ پذیرش دانشجو در مقطع ارشد را آغاز کردند (رجبلو، ۱۳۸۴: ۱۰۶). جغرافیدانان و در راس آنها جغرافیدانان سیاسی می خواستند بدانند که نقش و عامل فضای جغرافیایی در شکل گیری بسیاری از پدیده های جنگی چه بوده و اساساً چرا در این جنگ بین ایران و کشورهای متخاصم جهان روابط تنش آمیزی وجود داشته و عوامل جغرافیایی چه نقشی در تشدید این تنش ها داشته اند. بنابراین دیدگاهی را که این جغرافیدانان انتخاب کرده بودند همان دیدگاه پوزیتیویستی بوده است. به عبارت دیگر جغرافیای سیاسی در پیوند با کشور قرار گرفته بود و در خدمت قدرت حاکم بود.



## منابع

۱. بزرگی، وحید؛ دیدگاه‌های جدید در روابط بین الملل: تاویل شناسی، پسانوگرائی، نظریه انتقادی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.
۲. بهفروز، فاطمه؛ فلسفه روش‌شناسی تحقیق علمی در جغرافیا، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۷۸.
۳. چالمرز، آلن؛ چیستی علم: در آمدی بر مکاتب علم شناسی فلسفی، ترجمه صادق زیبا کلام، تهران: شرکت انتشاراتی علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۴. حافظ نیا، محمد رضا؛ مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
۵. حافظ نیا، محمدرضا و ابراهیم رومینا؛ «تحول روابط ایران و عربستان و تاثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال بیستم، شماره ۷۷، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴.
۶. دیوتیاک، ریچارد و جیمز دردریان؛ نظریه انتقادی، پست مدرنیسم، نظریه مجازی در روابط بین الملل، ترجمه و تالیف: حسین سلیمی، تهران: انتشارات نمایش، ۱۳۸۰.
۷. دادس، کلاوس؛ ژئوپلیتیک در جهان متغیر، ترجمه زهرا احمدی پور، عطاء الله عبدی، تهران: بلاغ دانش، ۱۳۸۳.
۸. رجبلو، نیما؛ بررسی سیر تحولات جغرافیای سیاسی در ایران از تاسیس دارالفنون تا زمان حاضر، پایان نامه کارشناسی/رشد، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا، ۱۳۸۴.
۹. سریع القلم، محمود؛ سیر روش و پژوهش در رشته روابط بین الملل، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱.
۱۰. گیدنز، آنتونی؛ جامعه شناسی گیدنز، ترجمه فرشته پناهی، تهران: جاجرمی، ۱۳۸۱.
۱۱. لیتل، دانیل؛ تبیین در علوم اجتماعی: (درآمدی به فلسفه علم الاجتماع)، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۳.
۱۲. مجتهدزاده، پیروز؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
۱۳. محمدی، حمیدرضا و محمد غنچی؛ «چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا (با تاکید بر ایران، پاکستان، و افغانستان)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۸۴.
۱۴. معینی علمداری، جهانگیر؛ روش شناسی نظریه‌های جدید در سیاست (اثبات گرایی و فرااثبات گرایی)، چاپ اول، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۱۵. مویر، ریچارد؛ درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، سید یحیی صفوی، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۹.

16. Carnap, Rudolf. Formal and Empirical Sciences" Philosophy of Science. Vol.1. No1. 1933.
17. Chalmers, Alan F. What Is This Thing Called Science?: An Assessment Of The Nature And Status Of Science And Its Methods, Published By Univ. Of Queensland Press, 1999..
18. Foucault, Michel. "Truth And Power "Translation Of An Interview With Alessandro Fontana And Pasquale Pasquino Witch Appeared Microphysical In Del Potter, Reprinted In Gordon (Ed)Power And Knowledge.1970.
19. Foucault, Michel. Power And Knowledge, Edited by Colin Gordon, London, Harvester Wheat sheaf, 1980.
20. Foucault, Michel. The Order of Things, Archaeology of the Human Sciences. New York, Wintage/Random House, 1973.
21. Gadamer.G, Hans."On The Scope and Function Of Hermeneutical Reflection "In David E.Ling (Trans) Philosophical Hermeneutics. University Of California Press, Berkeley, 1976.
22. Galtung, Johan's, Methodology and Ideology, Copenhagen: Christian Ejlens, 1977.
23. Little, Daniel,. Varieties Of Social Explanation: An Introduction to the Philosophy of Social Science, Published By West view Press, 1958.
24. Q Tuathail, G.,Post Modern Geopolitics? The Modern Geopolitical Imagination and beyond in G. Q Tuathail and S.Dalby (Eds) Rethinking Geopolitics, London: Routledge.Pp.1998.
25. Slater, David. Editorial Statement The Process And Prospect Of Political Geography, Department Of Geography, Lou borough University, Lou borough Le11 3tu, Uk, 2000.